

تجربه استعمار انگلیس در هند و رویکرد ضداستعماری ایرانی: علل آغاز و رواج

باورهای ضداستعماری در میان ایرانیان^۱

فرهاد حاجری

دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

عبدالرحیم قنوت^۲

دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

محسن معصومی

دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

ایران تجربه مستعمره شدن را نداشت، اما رویکرد ضداستعماری در میان ایرانیان رواج داشته است. ریشه چنین رویکردی اغلب در بستر تاریخ روابط ایران با قدرت‌های اروپایی نظیر انگلیس و روسیه و دخالت این کشورها در مسائل داخلی ایران مورد مطالعه قرار گرفته است. فرض بر این است که ایرانیان برای ترویج افکار ضداستعماری، وقتی خود تجربه استعمار را نداشتند، از یک نمونه تاریخی سرزمین مستعمره برای ترویج دیدگاه‌های خود بهره برده‌اند. در این میان، استعمار انگلیس در هند، سرزمین همسایه، مورد توجه ایرانیان بود. مسئله این است که آیا تجربه استعمار هند، می‌توانسته به عنوان الگویی از تجربه استعمار در نظر ایرانیان باشد و یکی از عوامل شکل‌گیری رویکرد ضداستعماری‌شان شده باشد؟ این مسئله در این پژوهش با توصیف و تبیینی تاریخی و بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای دنبال شده است. از این رو، آراء ایرانیانی که در موضوعات مختلف به حضور انگلیس در هند واکنش نشان دادند مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتیجه این مقاله نشان می‌دهد که تجربه استعمار هند یکی از سرچشمه‌های آغاز رویکرد

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۲/۱۱ (مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «فراز و فرود فرهنگ ایرانی در کلکته بر اساس چاپ و نشر آثار فارسی (۱۷۷۷-۱۹۱۱م/۱۱۹۱-۱۳۲۹ق)» به راهنمایی نویسنده مسؤل و مشاوره نویسنده سوم در دانشگاه فردوسی مشهد است.)

۲. رایانامه (مسؤل مکاتبات): ghanavat@um.ac.ir

ضداستعماری ایرانی بوده است و ایرانیان با ترس از نابودی هویت دینی و ملی، همواره از تاریخ هند تحت تسلط انگلیس برای ترویج افکار ضداستعماری بهره می بردند.

کلیدواژه‌ها: ایرانیان و استعمار، رویکرد ضداستعماری، هند بریتانیا، استعمار انگلیس.

مقدمه

ایران در دوره‌هایی که اروپاییان با اهداف مختلف تجاری و سیاسی پا به سرزمین‌های شرقی گذاشتند و بر مناطق مختلفی تسلط یافتند، با حکومت و نمایندگان آن‌ها ارتباط داشت اما مستعمره هیچ یک از آن‌ها نشد. با وجود این، ادبیات ایرانی مملو از اندیشه‌ها، باورها، اشعار، خطابه‌ها و تعابیر ضداستعماری است و رویکرد ضداستعماری در ایران رواج یافته است. ایرانیان در آثار مختلف متأثر از رویکردهایی نظیر ملی‌گرایی، ضدامپریالیستی و سرمایه‌داری و دینی از استعمار قدرت‌های غربی و ماهیت استعمار نوشته‌اند^۳ و آثاری با موضوعات استعمار را به فارسی ترجمه کرده‌اند.^۴ آن‌ها از تأثیر استعمار بر دینداری مردم ایران سخن گفته‌اند،^۵ نویسندگان ایدئولوژیک در آثارشان ضداستعمار نوشته‌اند،^۶ شاعران علیه استعمار سروده‌اند،^۷ در داستان‌نویسی، پیرنگ، شخصیت، درون‌مایه، لحن، نماد و صحنه‌های مبتنی بر وقایع استعمار خلق کرده‌اند،^۸ فیلم‌هایی با مضامین استعمار

۳. برای نمونه، نک. بهار، ۳۵۷؛ رواسانی، ۳-۲۵؛ میرفندرسکی، ۱۷۷-۲۲۰؛ دو قرن نیرنگ: داستان تلخ سیاست استعماری انگلیس در ایران...، ۷-۱۶.

۴. ولاهاکیس، مقدمه مترجم، ۷-۱۵؛ استعمار و ضد استعمار در سینما، پیشگفتار، ۵-۱۶.

۵. خمینی، ۱/۱۵۷-۱۵۹؛ مطهری، ۱۵۸-۱۵۹.

۶. آل‌احمد، سفر فرنگ، ۶۰-۶۲.

۷. فرخی، ۱۹۶-۱۹۷؛ افشاریزدی، ۳۸۷-۳۸۹.

۸. صفدری، ۱.

ساخته‌اند،^۹ همایش‌ها درباره استعمار برگزار کرده‌اند^{۱۰} و رویدادهای تاریخی را با رویکرد ضداستعماری تحلیل کرده‌اند.^{۱۱}

این پرسش می‌تواند طرح شود که با وجود عدم استعمار ایران، شکل‌گیری چنین رویکرد ضداستعماری در چه چیزی ریشه داشت؟ منظرهای مختلفی برای پاسخ به این سؤال وجود دارد. ایران در سده‌های اخیر با قدرتهای اروپایی ارتباط و برخورد داشت و روابطی در زمینه‌های تجاری، سیاسی، فرهنگی و یا جنگ بر سر مسائل سرزمینی بین آن‌ها شکل گرفته بود. روابط گاه حالتی دوستانه و گاه دشمنانه به خود می‌گرفت، قدرتهای اروپایی در مسائل ایران دخالت می‌کردند و در آن‌جا حضور داشتند؛ به‌رغم چنین موضوعی تجربه مستعمره شدن ایران آنگونه که سرزمین‌هایی چون هند، مصر، الجزایر و غیره به آن دچار شدند، به وقوع نپیوست. از این رو، شاید عبارت «نیمه‌مستعمره» برای توصیف بعضی رویدادهای تاریخی در ایران و در برابر سیاست‌های استعماری مناسب باشد. اکنون پرسش این است که با وجود مستعمره نشدن ایران، چرا رویکردی ثابت از نگرانی‌ها گرفته تا نظریه‌ها و ایدئولوژی‌های ضداستعماری، در دوره‌ای طولانی در میان ایرانیان رواج پیدا کرد و به گفتمانی ثابت در محافل سیاسی و اجتماعی و علمی بدل شد. آیا صرفاً روابط سیاسی با قدرتهای استعماری و یا حضور موقت نیروهای آن‌ها در این کشور، ریشه و علل اصلی چنین رویکردی بود؟

برای شناخت شکل‌گیری و گسترش رویکرد ضداستعماری در ایران، چه به‌عنوان بخشی از جهان اسلام و چه از نظر ملی، می‌توان از چشم‌اندازها و نظریه‌های مختلف استفاده کرد. محمد ارکون، اندیشمند الجزایری‌تبار، در مقدمه کتاب تاریخ‌مندی اندیشه اسلامی با عنوان «چگونه اندیشه اسلامی را بررسی کنیم؟» به نقش استعمار در وضعیت

۹. مثلاً: دلیران تنگستان، ۱۳۵۳.

۱۰. مثلاً: ایران و استعمار انگلیس مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات، ۱-۷۳۷.

۱۱. ناطق، ۱۰۲، ۱۷۶-۱۷۷.

فکری و فرهنگی جوامع اسلامی (در برخورد با تحولات جهان مدرن/جدید) پرداخته است و از «ایدئولوژی نبرد» سخن گفته است. او معتقد است که در قرن نوزدهم حاکمیت ملی توسط استعمار از دست رفته بود و چنین ایدئولوژی‌ای در سرزمین‌های مستعمره، با تأکید بر مصر و الجزایر، به دنبال احیای جایگاه سیاسی هر آن‌چه بود که در سطح سیاسی از دست رفته بود. ایدئولوژی نبرد میراث فرهنگی و دینی گذشته را به مثابه اهرمی علیه استعمار به کار گرفت زیرا از نظر آن‌ها استعمار خیال محو تمدن اسلامی را در سر داشت. ارکون بر این باور است که در این ایدئولوژی «میراث موضوعی نیست که بتوان آن را در بحث علمی پویا به کار برد».^{۱۲} از نظر وی، ایدئولوژی نبرد پس از پایان استعمار ادامه پیدا کرد.^{۱۳} از این جهت رویکرد ارکون برای فهم بخشی از رویکرد ضداستعماری در ایران و به‌ویژه نظریات مذهبی علیه استعمار به کار می‌آید. در کنار آراء مذهبی، ملی‌گرایی یکی دیگر از عرصه‌هایی است که می‌توان سرچشمه باورهای ضداستعماری را در آن جست. لیلا گاندی، نظریه‌پرداز ادبی و فرهنگی معتقد است مؤثرترین شکل تاریخ ضداستعماری از طریق پادنیروهای مقاوم ملی‌گرایی اظهار گردیده است.^{۱۴} برای فهم تاریخ رویکرد ضداستعماری در ایران، می‌توان از چنین دیدگاه‌هایی کمک گرفت. با وجود این‌ها، تعریف موضوع استعمار از نظر ایرانیان و واکنش ضداستعماری‌شان، می‌تواند به‌طور جزئی‌تر تبیین شود. همان‌طور که پیش از این اشاره شد، تحقیقات مرتبط با تاریخ روابط ایران با قدرت‌های خارجی بخشی از این جوانب را روشن می‌کند. در واقع، از چنین منظری رویدادهای اقتصادی و سیاسی و غیره موجب شکل‌گیری رویارویی‌ها بین ایران و قدرت‌هایی نظیر انگلیس، روسیه، فرانسه و غیره شد و به تناسب نوع این روابط و نتایج آن، واکنش‌های ضداستعماری قابل ردیابی است. از این جهت انبوه آثاری که با موضوع تاریخ روابط ایران با اروپائیان خلق شده‌اند، چشم‌اندازی را

۱۲. ارکون، ۵۹-۶۰.

۱۳. همو، ۹۱.

۱۴. گاندی، ۱۷۷.

پیش روی ما می‌گذارند که می‌توان علل و ریشه‌های شکل‌گیری و رواج اقدامات ضداستعماری ایرانی را در آن ردیابی کرد. نمونه‌هایی از این آثار تاریخ روابط استعماری در ایران را بیان می‌کنند.^{۱۵} اما نکته آنجاست که تعداد زیادی آثار وجود دارند که اساساً هر گونه رابطه ایران با قدرت‌های خارجی به‌ویژه انگلیسی‌ها را نوعی استعمارگری خارجی در داخل ایران تلقی کرده‌اند. این آثار اغلب متأثر از رویکرد غالب زمانه خود، به جای این‌که روابط ایران با انگلیسی‌ها را متناسب با شرایط تاریخی‌شان در نظر گیرند، هر نوع تعامل اقتصادی و تجاری یا سیاسی را رفتار استعمارطلبانه پنداشته‌اند.^{۱۶} در نتیجه، چشم‌اندازی که ریشه استعمارگری و ضد استعماری در ایران را صرفاً در قالب هر گونه روابط ایران و قدرت‌های اروپایی می‌جوید، برای فهم دقیق موضوع مناسب و کافی نیست، از مشکل اختلاط در زمانی و هم‌زمانی رنج می‌برد و با ساده‌نمایی مسائل تاریخی بر هر رویدادی برچسب استعمار می‌زند.

تحلیل دیگری که کمک می‌کند تا بخشی از نگاه ضداستعماری ایرانیان شناخته شود، نظریه «تئوری‌های توطئه» است. این نظریه بر آن است که از آغاز قرن بیستم میلادی، رویکرد ایرانیان، از اقشار مختلف و با ایدئولوژی‌های گوناگون، نسبت به تاریخ و سیاست بر مبنای «تئوری توطئه» شکل گرفت؛ تئوری توطئه در ایران مدرن، به‌طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شود: اول تئوری‌هایی که مبتنی بر نقشه‌های احتمالی قدرت‌های استعماری غربی هستند و دوم آن‌هایی که به نیروهای شیطانی‌ای باور دارند که از دوران باستان تا به امروز علیه ایران وجود داشته‌اند.^{۱۷} بخش اول این تحلیل، دوره‌ها و رویدادهایی تاریخی را زمینه‌ساز تئوری‌های توطئه در ایران دانسته‌است و شامل این موارد است: ضعف ایران در

۱۵. به عنوان مثال، نک. محمود، ۱/۱-۵، ۲۴/۵؛ نصر، ۱۷۹، ۲۲۵، ۳۲۲.

۱۶. برای نمونه، نک. تاج‌بخش، ۱-۵؛ کیا، ۱۱؛ طلوعی، ۵-۱۰.

17. Ashraf, "Conspiracy Theories", *Iranica*;

مقاله به‌روز شده «تئوری‌های توطئه» در وب‌سایت دانشنامه ایرانیکا در دسترس است:

<https://www.iranicaonline.org/articles/conspiracy-theories>

دوران حکومت سه شاه آخر قاجار (حک ۱۳۱۴-۱۳۴۳ق/۱۹۲۴-۱۸۹۶-۱۹۲۴م)، همراه با رویدادهایی همچون انقلاب مشروطه (۱۹۰۵-۱۹۱۱م/۱۳۲۳-۱۳۲۹ق) که با حمایت بریتانیا و علیه منافع روسیه همراه بود، قرارداد ۱۹۰۷م/۱۳۲۵ق انگلیس و روسیه که ایران به دو منطقه تحت نفوذ آن‌ها تبدیل شد، اشغال ایران توسط روسیه، بریتانیا و عثمانی‌ها در طی جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸م/۱۳۳۲-۱۳۳۷ق)، قرارداد بی‌ثمر انگلیس-ایران در ۱۹۱۹م/۱۳۳۷ق که توسط آن ایران به نوعی تحت‌الحمایه انگلیس قرار گرفت، و کودتای تحت حمایت انگلیس در ۱۲۹۹ش/۱۹۲۱م که به موجب آن حکومت پهلوی تشکیل شد.^{۱۸} این نظریه ما را متوجه روند شکل‌گیری تئوری‌های توطئه‌ای در ایران می‌کند که استعمار در پدیدآمدن آن‌ها تأثیرگذار بوده است. در نتیجه این تئوری‌ها می‌توانسته در شکل‌گیری رویکرد ضداستعماری هم نقش داشته باشد بر این اساس توجه به این نظریه و علل پدیدآمدن تئوری‌های توطئه، برای شناخت بخشی از ریشه باورهای ضداستعماری ایرانی سودمند است.

هر کدام از تحلیل‌های پیشین، کاربرد خود را در شناخت این موضوع دارد. این مقاله چشم‌انداز متفاوتی برای فهم ریشه و رواج باورهای ضداستعماری ایرانیان پیشنهاد می‌دهد. ایران و هند در دوره‌های مختلف تاریخی، روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی داشتند و آشنایی دو سرزمین با تحولات مختلف یکدیگر همواره برقرار بود. این تعامل در دورانی که قدرت‌های اروپایی و به اصطلاح «استعمارگر» وارد شرق شدند ادامه پیدا کرد. تعامل هند و ایران در این دوران و از طریق تحولاتی که یک پای ثابت آن انگلیسی‌ها بودند، تداوم داشت. ایرانیان از حضور انگلیسی‌ها در شبه قاره هند آگاهی داشتند و اقدامات آن‌ها در هند و رویکردهای خود نسبت به حضورشان را در آثار مختلف بازتاب دادند.^{۱۹} رودی مته معتقد است که هند به‌جای ایران، جایی بود که ایرانی‌ها نخستین بار به غیر از بازرگانان و

18. Ibid.

۱۹. برای نمونه، نک. شوشتری، ۲۷۰-۲۷۲؛ کرمانشاهی، ۱۹۹-۲۰۰؛ نوری، ۱۱۸-۱۲۱.

فرستادگان وقت، با دیگر گروه‌های انگلیسی و جنبه‌هایی از جامعه بریتانیایی در محیطی «شبه انگلیسی»^{۲۰} آشنا شدند و (تصور ایرانی‌ها درباره انگلیسی‌ها) در خود ایران کندتر شکل گرفت.^{۲۱} یکی از جنبه‌های رویکرد ایرانیان در زمینه حضور انگلیسی‌ها در هند، توجه به «تصرف» و «تسخیر» هند توسط آن‌ها بود؛ امری که موجب نگرانی ایرانیان برای تکرار چنین تجربه‌ای در ایران شد و آن‌ها در اشکال مختلف درباره آن هشدار دادند.^{۲۲}

اکنون فرض بر این است که ادبیات پر و پیمان ضداستعماری در میان ایرانیان، می‌بایست که ریشه در آشنایی آن‌ها با تجربه‌ای کامل از یک نمونه تاریخی استعمار داشته باشد و در این میان نزدیک‌ترین سرزمین مستعمره برای ایرانیان، هندوستان بود. مسئله این است که حضور انگلیسی‌ها در هند که سرانجام به استعمار کامل آن سرزمین منجر شد، در نظر ایرانیان چه جایگاهی داشت؟ به‌طور جزئی‌تر، استعمار انگلیس در هند، جایی در آغاز و قوام رویکرد ضداستعماری ایرانی داشت؟ مقاله حاضر با طرح چنین سؤالاتی، طیف متنوعی از ادبیات و دیدگاه‌های ایرانیان را پس از ۱۸۵۷/م ۱۲۷۴ق و زمانی که هند تحت تسلط کامل بریتانیا درآمد، مورد کاوش قرار داده‌است. این مقاله بر این نظر است که ایرانیان در این دوره، تحولات هند را رصد می‌کردند و به خوبی از استعمار آن سرزمین آگاهی داشتند. این آگاهی صرفاً در حد آشنایی نبود بلکه توجه به آراء، ادبیات نوشتاری، جایگاه اجتماعی و سیاسی این افراد اثبات می‌کند که استعمار هند، در شکل‌گیری رویکرد ضداستعماری ایرانی، نقش و اهمیت جداگانه داشته‌است.

20. quasi-English setting.

21. Mattee, "Suspicion, Fear, and Admiration: Pre- Nineteenth-Century Iranian Views of the English and Russians", 135.

۲۲. دروویل، ۱۷۷-۱۷۸؛ رستم الحکما، ۳۸۵-۳۸۶؛ اعتضادالسلطنة، ۴۹۴-۴۹۵.

پیشینه تحقیق

شماری از محققان به گزارش‌های تاریخی ایرانیانی که به تصرف هند از سوی انگلیسی‌ها توجه داشتند، اشاره کرده‌اند. آن لمبتون در مقاله «گرایش‌هایی جدید در تفکر سیاسی اسلامی در اواخر قرن ۱۸ م و اوایل قرن ۱۹ م در ایران»^{۲۳} با ذکر روایتی از رستم الحکما، به‌عنوان گزارشی از یک ایرانی که متوجه اقدامات انگلیسی‌ها در هند بوده و به هموطنان ایرانی خود درباره طرح‌های انگلیسیان هشدار داده، اشاره‌ای کوتاه و تا حدودی مشابه به مسئله مورد نظر این مقاله داشته‌است.^{۲۴} روایت رستم الحکما از سوی عبدالهادی حائری به‌عنوان نخستین متن ضداستعماری در ایران دانسته شده‌است،^{۲۵} او در اثر خود به چند متن تاریخی دیگر که به استعمار هند توجه داشته‌اند، اشاره کرده‌است.^{۲۶} حائری در کتاب نخستین رویارویی‌های اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، رویکرد ضداستعماری ایرانیان را در مواردی در تجربه هند جست‌وجو می‌کند که از این جهت به مسئله مقاله شباهت دارد. اما رویکرد ایدئولوژیک محور او باعث می‌شود تا نگاه ضداستعماری شخص خود را بازتاب دهد و به دنبال شواهد آن در متون گذشته باشد.^{۲۷}

رودی مته در دو مقاله خود با عنوان‌های «سوءظن، ترس و تحسین: دیدگاه‌های ایرانیان درباره انگلیسی‌ها و روس‌ها تا پیش از قرن ۱۹ م»^{۲۸} و «در میانه همدری و دشمنی:

23. "Some New Trends in Islamic Political Thought in Late 18th and Early 19th Century Persia".

24. Lambton, 105.

۲۵. حائری، ۲۲۴. عبدالحسین نوایی نیز روایت رستم الحکما را «بیان استعمار به زبان ساده» دانسته‌است (نوایی، ۵۹۴-۵۹۶). نویسندگان مقاله‌ای دیگر به طور اختصاصی رویکرد رستم الحکما در کتاب رستم التواریخ را مورد بررسی قرار داده‌اند (هاشم زاده محمدیه و آقاجری، ۱۵۳-۱۷۹).

۲۶. حائری، ۲۱۴، ۴۳۰، ۴۵۲.

۲۷. برای نمونه، نک. حائری، ۲۲۹، ۴۲۹.

28. "Suspicion, Fear, and Admiration: Pre- Nineteenth-Century Iranian Views of the English and Russians".

دیدگاه‌های ایرانیان درباره بریتانیا و روس‌ها در قرن ۱۹م^{۲۹} به دنبال بررسی علل رویکردهای متفاوت ایرانیان درباره انگلیسی‌ها و روس‌ها در دوره‌های تاریخی مورد نظر و متناسب با شرایط وقت بوده‌است. او به دو گزارش اشاره کرده‌است که از نظر وی، نشان از آگاهی ایرانیان از روند رشد حضور انگلیسی‌ها در شبه قاره و بی‌اعتمادی به انگیزه‌ها و نیات انگلیسیان هند و ترس از امکان این‌که آن حضور برای ایران هم اتفاق بیافتد، داشت.^{۳۰} مته در مقاله دوم خود که ادامه مباحث پیشینش است، با بهره‌گیری از تحلیل‌های نظریه «تئوری توطئه»، دیدگاه حائری و دیگران، به دنبال شناخت زمینه‌های تاریخی ماهیت تعاملات ایرانیان با قدرت‌های انگلیس و روسیه است. مته در این مقاله نیز نمونه‌ای دیگر از توجه ایرانیان به استعمار هند را ذکر کرده‌است. اساساً محور مقالات رودی مته، رویدادهای تاریخی داخل ایران است و حتی هنگامی که از فعالیت‌های انگلیسیان مقیم هند سخن می‌گوید، به آن جنبه از اقدامات آن‌ها در ارتباط با ایران نظر دارد و واکنش مثبت و منفی ایرانیان را نسبت به دو قدرت اروپایی، در قالب رقابت انگلیس و روسیه مورد توجه قرار داده‌است.^{۳۱}

عباس قدیمی قیداری در مقاله «رویکردهای مورخان قاجاری به اروپا و استعمار» در ذیل عنوان «اروپا و هشدار درباره استعمار» به برخی مورخان دوره قاجار توجه داشته‌است که «از هدف‌های پنهان و آگاه انگلیسی‌ها و به‌ویژه سرنوشت هند» اطلاع داشتند و درباره آن هشدار داده‌اند.^{۳۲} در کتاب کلان‌روایت‌ها در تاریخ‌نگاری ایران دوره قاجار (۱۲۶۴-۱۲۱۰ق)، متأثر از دیدگاه‌های حائری و قدیمی قیداری، همان اشاراتشان درباره رویکرد

29. "Between Sympathy and Enmity: Nineteenth-Century Iranian Views of the British and the Russians".

30. Mattee, "Suspicion...", 121-122; 135-136.

31. Idem, "Between ...", 173, 189-191.

۳۲. در این مقاله به این مورخان اشاره شده‌است: رستم الحکما، میرزا محمد تقی خان سپهر، خاوری شیرازی و

اعتضادالسلطنة (قدیمی قیداری، ۷۵-۸۲).

استعماری انگلیس در هند توسط مورخان دوره قاجار، تکرار شده است.^{۳۳}

وجه تمایز رویکرد مقاله حاضر با تحقیقات پیشین در چیست؟ این مقاله، استعمار انگلیس در هند را به عنوان یک الگوی مستقل در تاریخ شکل‌گیری و رواج رویکرد ضد استعماری ایرانی در نظر گرفته است. از این رو، بر خلاف تحقیقات پیشین که صرفاً به مواردی خاص و تا پیش از نیمه اول قرن نوزدهم میلادی پرداخته‌اند؛ در این جا دوره پس از نیمه دوم قرن نوزدهم مبنا قرار گرفته است که دورویداد اصلی در ارتباط با استعمار انگلیس در هند، یعنی تسلط کامل بر شبه قاره در ۱۸۵۷م و تجزیه شبه قاره در ۱۹۴۷م رخ داده است. همچنین بر خلاف بعضی تحقیقات، رویکرد مقاله حاضر توجه به استعمار هند و نه سیاست‌های هند بریتانیا در ارتباط با ایران است. آثار بسیاری در این دوره تاریخی در ارتباط با موضوع مورد نظر وجود دارد که تاکنون از این زاویه به آن‌ها توجه نشده است. توجه به بیش ضد استعماری ایرانیان در طی روندی تاریخی، جزئیات و تحولات این سیر فکری را روشن می‌نماید. به عنوان نمونه، بر تمامی تحقیقات پیشین فارسی که از آن‌ها نام برده شد، این نقد وارد است که برای نخستین آثار و آراء ایرانیان در مواجهه با تاریخ هند تحت تسلط انگلیس، از کلمه «استعمار» استفاده کرده‌اند، اما در آن آثار واژه استعمار کاربردی نداشت و اصطلاحاتی نظیر «تسخیر» و «تصرف» به کار برده می‌شد.

در این مقاله تلاش شده است تا با روش تحلیل تاریخی، با اتکا بر منابع دست اول و توجه به شرایط تاریخی، مسأله پژوهش دنبال شود. منابع دست اول در این تحقیق، آن دسته از آثار ایرانیانی هستند که مستقیماً به موضوع مورد نظر پرداخته‌اند؛ یعنی آثاری که از تجربه تاریخی استعمار انگلیس در هند برای ترویج رویکرد ضد استعماری در ایران سخن گفته‌اند. در این تحقیق، به روند تغییر تدریجی ادبیات ضد استعماری ایرانیان در این زمینه

۳۳. احمدزاده، ۸۹، ۲۴۹-۲۵۷. ذاکر حسین در ادبیات ایران پیرامون استعمار و نهضت‌های آزادیبخش فقط به اشعار فارسی ایرانیان در زمینه استعمار پرداخته است و نمونه‌هایی از شعر شاعرانی را که به هند توجه داشته‌اند، آورده است (ذاکر حسین، ۶۹، ۳۴۳-۳۴۹).

توجه شده است که این مهم با بررسی جزئیاتی از ادبیات این آثار و در طی زمان مشاهده می‌شود. این ادبیات را می‌توان در مواردی همچون نقل قول‌ها، عبارات، عنوان‌ها و غیره جست‌وجو کرد و از آن‌ها به‌عنوان مصداق‌ها و شواهدی تاریخی بهره برد.

استعمار هند و ریشه‌های رواج رویکرد ضد استعماری ایرانی در نیمه دوم قرن ۱۹ م
مهم‌ترین تحول سیاسی اجتماعی هند در نیمه دوم قرن نوزدهم را باید شورش هندوستان در ۱۸۵۷م/۱۲۷۴ق دانست، شورش‌هایی که از دست رفتن حاکمیت گورکانیان بر هند و تسلط کامل انگلیسی‌ها را بر امور این سرزمین به دنبال داشت این رویداد و عواقب آن مورد توجه ایرانیان قرار گرفت و در آثار مختلفی بازتاب داشت. آنان در نوشته‌های مختلف، از کتب تاریخی گرفته تا نامه‌نگاری و ترجمه آثار و سفرنامه‌ها، به اوضاع هندوستان توجه داشتند. آراء ایرانیان در این دوره زمینه‌هایی از شکل‌گیری باورهای ضد استعماری را شکل داد.

مورخ مشهور دوره قاجار، محمد تقی خان سپهر (۱۲۱۶-۱۲۹۷ق)^{۳۴} از اوضاع ناآرام هندوستان در زمانه خود آگاهی داشت و از تصرف تدریجی انگلیسی‌ها در سرتاسر هند نوشت.^{۳۵} سپهر در بخش مرتبط با دوران حکومت ناصرالدین شاه، تحت عنوان «ذکر سوء سلوک و فتنه‌انگیزی سفرای انگریز در ایران» به تغییر تدریجی روند سیاست‌های انگلیس با ایران اشاره کرد. او نوشت که انگلیس اکنون دشمن قوی دولت و ملت ایران است و آن‌ها «چنان می‌دانند که انگریزان می‌خواهند دولت ایران را یکی از راجه‌های هندوستان شمار کنند».^{۳۶} چنین صراحتی در بیان ترس از تجربه تسلط حکومت انگلیس آن‌طور که در هند روی داده بود، در میان اقشار مختلف ایرانی وجود داشت. ملا علی کنی (۱۲۲۰-۱۳۰۶ق)، روحانی پرنفوذ تهرانی در عصر ناصرالدین شاه پس از برقراری امتیاز رویتر در

۳۴. نویسنده ناسخ التواریخ (آغاز تألیف: ۱۲۵۸ق/۱۸۴۲م، پایان تألیف: ۱۲۷۴ق/۱۸۵۷م).

۳۵. سپهر، ۱۰۷/۱، ۳۲۴/۲.

۳۶. همو، ۳۰۸/۴.

۱۹ جمادی الاول ۱۲۸۹ / ۲۵ ژوئیه ۱۸۷۲م، که به موجب آن امتیاز احداث راه آهن به مدت هفتاد سال در ایران را در اختیار رویتزر قرار می داد، در نامه ای خطاب به شاه و در تاریخ ۲۲ رجب ۱۲۹۰ / ۱۸۷۳م اعتراض خود را طرح کرد. او به مقایسه کمپانی هند شرقی با کمپانی رویتزر در ایران پرداخت و به شاه هشدار داد همانگونه که کمپانی هند شرقی هند را تصرف کرد، کمپانی رویتزر هم با ایران چنین کاری خواهد کرد.^{۳۷} با دقت در نگارش متن نامه، نشانه ای دیگر از مقایسه تجربه هند با ایران هم دیده می شود؛ آن جا که وی از رویتزر با عبارت «سرکار کمپانی» یاد می کند^{۳۸} چرا که استفاده از کلمه «سرکار» در ادبیات فارسی هند رایج بود.

بهره برداری از تجربه هند در ادبیات ایرانی، در عرصه ترجمه نیز قابل ردیابی است. با تأسیس اداره «روزنامهجات، دارالطباعة و دارالترجمه» در دوره ناصرالدین شاه قاجار و به ریاست اعتمادالسلطنه، ترجمه آثار از زبان های مختلف آغاز شد که بخشی هم به آثار مرتبط با هند اختصاص داشت.^{۳۹} بیشتر این ترجمه ها بین سال های ۱۳۰۱-۱۳۰۲ق/ ۱۸۸۳-۱۸۸۵م انجام شد و درباریان و نخبگان ایرانی از مسائل جزئی هند تحت سلطه انگلیس آگاهی می یافتند.^{۴۰} اطلاع از اوضاع هند تحت تسلط بریتانیا و بهره بردن از آن برای

۳۷. «... کمپانی هند تمام هند به آن وسعت و مکتت را به خریداری و تملک یک جریب زمین مخصوص سکونت خود برد، کمپانی معاصر ما با تصرف آن همه اراضی متعلقه به راه آهن استحقاق انتفاع جمیع معادن و رودخانه ها و اراضی با حق به کار واداشتن جمیع کارکنان از رعایا، چگونه ایران را نبرد و چرا نبرد» (برای متن کامل نامه، نک. تیموری، ۱۲۴-۱۲۶).

۳۸. همو، ۱۲۵.

۳۹. افراد مختلفی نظیر سید حسین شیرازی، اوانس ماسائیان (مساعد السلطنه)، اعتماد السلطنه (وزیر) و افرادی چون اردشیر، علی محمد اصفهانی از زبان های انگلیسی، هندی و اردو به ترجمه آثار مشغول بودند (برای این موضوع، نک. پاورقی شماره ۱۳).

۴۰. ترجمه تاریخ و جغرافیای هندوستان، پرتغال و جزایر بریتانیا، ۲-۳؛ برای نمونه ای از سازو کار انتخاب و ترجمه این متنها، نک. ترجمه جغرافیای هند، ۳۳-۳۵؛ برای نمونه ای از ترجمه روزنامه ها، شیوه انتخاب مقالات، و قرانت آن ها برای درباریان ایران، نک. ترجمه احوال روس و افغانستان و هندوستان، ۲، ۱۹۰.

هشدار به ایرانیان، در قالب چند ترجمه خاص در این دوره بازتاب یافت. موضوعات این ترجمه‌ها مستقیماً به رویدادهایی از هند می‌پرداخت که در ارتباط با استیلای انگلیسیان بر آن سرزمین بود.

در ۱۳۰۴ق/۱۸۸۶م دو رساله از سوی اوانس یاهوناس خان ماسائیان، ملقب به مساعد السلطنة، از اعضای اداره انطباعات و دارالترجمه، ترجمه شد.^{۴۱} رساله اول با رویکردی ضد انگلیسی، شرح گزارشی از شورش هندوستان، معروف به «شورش سپاهیان» بود که مخاطب را با چگونگی این رویداد آشنا می‌کرد. رساله دوم در چند فصل با عنوان‌های مختلف به اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هندوستان تحت سیطره انگلیس می‌پرداخت و در فصلی نیز تاریخ استیلای انگلیس بر هند را شرح می‌داد.^{۴۲} ماحصل ترجمه چنین آثاری اطلاع دقیق‌تر از اوضاع هندوستان برای ایرانیان، خاصه نخبگان و سیاسیون آن دوره بود. آشنایی با اوضاع هند و استفاده از آن برای رویکرد عبرت گرفتن از تاریخ هندوستان تحت استیلای انگلیس در اثری بازتاب یافت که توسط وزیر انطباعات و مترجم مخصوص ناصرالدین شاه ترجمه شد.

کتاب سرگذشت خانم انگلیسی در هندوستان^{۴۳} نخستین بار در ۱۳۰۴ق/۱۸۹۶م با ترجمه اعتماد السلطنة از زبان فرانسه در «دارالطباعه خاصه دولتی» در تهران انتشار یافت.^{۴۴}

۴۱. عنوان رساله اول «بلوای هند» بود و در پیشانی رساله دوم آمده بود: «این رساله تحقیقاتی است که دانشمندان فرنگ در باب ممالک هندوستان و استیلای دولت انگلیس بر آن نموده و وضع آن ممالک و انگلیسی‌ها را در آن مبین و آشکار می‌سازد و مشتمل بر چند فصل است» (شورش هندوستان ۱۸۵۷م/۱۲۷۴ه.ق، ۱۸۹، ۱۹۱). عبدالله انوار در فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی، عنوان‌های «شورش هندوستان ۱۸۵۷م/۱۲۷۴ه.ق» را برای رساله اول و «هندوستان و استیلای انگلیس» را برای رساله دوم اطلاق کرده بود (شورش هندوستان ۱۸۵۷م/۱۲۷۴ه.ق، ۵۴).

۴۲. همو، ۵۵-۹۹، ۱۳۳، ۱۰۶-۱۱۲.

۴۳. سرگذشت مسترس هورتستت خانم انگلیسی در هندوستان.

۴۴. موضوع کتاب سرگذشت زنی به نام «هور تستت» از خانواده‌های انگلیسی مقیم هند بود او در پی شورش ۱۸۵۷م، همسر خود را از دست داده بود و به هنگام بازگشت به انگلیس، وقتی در پاریس حضور داشت، سرگذشت خود را برای طیب‌باش تعریف کرده بود (سرگذشت خانم انگلیسی در هندوستان، ۳۲).

اعتمادالسلطنه در مقدمه کتاب، شورش ۱۸۵۷م/۱۲۷۴ق در هندوستان را «بزرگ‌ترین سوانحی» دانسته‌است که در «کره ارض» رخ نمود، از نظر او انگلیس تا پیش از این شورش، با صلح در ممالک هندوستان حضور داشت و پس از آن تاریخ «کمپانی هندوستان موقوف و متروک شد و مستقیماً از طرف سلطنت انگلیس» اداره شد. از نظر اعتمادالسلطنه سرگذشت این زن «موجب حیرت و مایه عبرت» بود و از این رو اقدام به ترجمه آن کرد «تا خوانندگان را عبرتی دست داده، شکر نعمت امنیت را فریضه ذمت شمارند...».^{۴۵}

ایرانیان در اواخر قرن نوزدهم همچون گذشته، سفرنامه‌نویسی در هند را دنبال می‌کردند و ریشه‌های رویکرد ضداستعماری ایرانی در قالب سفرنامه‌نویسی بازتاب داشت. جام جم هندوستان، مصداق بارز این موضوع است که در آخرین سال قرن نوزدهم میلادی در تبریز منتشر شد. ادبیات به کار رفته توسط نویسنده این اثر به خوبی گواه تأثیر شرایط هندوستان آن دوران در شکل‌گیری جنبه‌ای از رویکرد ضد استعماری ایرانی است. میرزا سید علی خان حجازی تبریزی، ملقب به وقار الملک، که خود را در کتاب «منشی خاصه ... مظفرالدین شاه» معرفی می‌کند، در ابتدای اثر خود از اهمیت علوم سیاحی و جهانگردی سخن گفته است و دلیل انتخاب هند به عنوان مقصد سفر را، تنوع قوانین و امور و اوضاع سیاست و اجتماع در آن‌جا دانسته‌است.^{۴۶} نویسنده مدت ده سال را در هندوستان حضور داشت و در همان آغاز سفرنامه خود نوشت: «خداوند این مملکت پر نعمت را به دست هندی‌های تن پرور داده بود که قدر این نعمت عظیم را ندانسته و کفران نعمت کرده حالا تمام این مملکت در ید قدرت انگلیس است».^{۴۷} او در بخشی از سفرنامه خود به شیوه تسلط انگلیس بر هند پرداخت و ضمن آن به تکرار این موضوع برای ایران هشدار دارد. وقار

۴۵. همان، ۳۲-۳۴، ۳۵. پیشگفتار این کتاب، نوشته محمدرضا افشاری، خودنوشتاری با رویکرد ضد استعماری،

با بهره‌گیری از تاریخ استعمار انگلیس در هندوستان، در دهه ۱۳۶۰ شمسی ایران است (پیشگفتار، ۱-۲۸).

۴۶. وقار الملک، ۳۳۸، ۳-۴.

۴۷. همو، ۴-۵.

الملک نوشت که دولت انگلیس به واسطه تسخیر هندوستان، نخست با «حیله تجارت» وارد هندوستان شدند و به مرور بر هند مسلط شدند. از نظر او سپس نواب‌ها، راجگان، و زمین‌داران هندوستان به «مزدور و فعله انگلیس» تبدیل شدند و «کم کم این تخم ناهنجار را هم به ایران پاشیدند که تمام اعیان و سلطنت و ایران از تجار و کسبه آنچه هست، مزدور بانک انگلیسی هستند».^{۴۸}

ایرانیان ضداستعمار و نهضت آزادی هندوستان در قرن ۲۰ م

رویکرد ضد استعماری ایرانیان با استناد و ارجاع به تجربه استعمار انگلیس در هند در سده بیستم میلادی/چهاردهم شمسی به اوج رسید. نهضت‌های مهم ضدانگلیسی همچون جنبش مهاتما گاندی در هند گسترش یافت. اقدامات مسلمانان و هندوان به استقلال هند از بریتانیا و تجزیه شبه قاره در ۱۹۴۷م/۱۳۶۶ق/۱۳۲۶ش ختم شد. این رویدادها کارآیی مهمی برای شخصیت‌های مختلف ایرانی که بسیاری از آنها در تحولات اجتماعی و سیاسی ایران جایگاه مهمی داشتند، پیدا کرد و آنها در آثار خود از تجربه هند گفتند. اندیشه‌های برخی شخصیت‌های مشهور شبه قاره همچون مهاتما گاندی و اقبال لاهوری به ایرانیان معرفی شد و همه نشان از آن داشت که تحولات هند مستعمره، تا چه اندازه در جهانی‌سازی ضد استعماری ایرانی نقش داشت. ایرانیان در ابعاد دینی و ملی از تجربه هند استفاده کردند تا باورهای ضد استعماری‌شان را ترویج کنند.

سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، از روحانیون اواخر دوره قاجار در ۱۳۲۱ق/ ۱۹۰۳م، در نامه‌ای نسبت به وضع قوانین جدید توسط حکومت و با اشاره به تجربه استعمار انگلیس در هند هشدار داد که بیگانگان در انتظار آشفته‌گی اوضاع مملکت هستند و بیم آن می‌رود که «خدای ناخواسته این بقعه مبارکه ایران» مانند «مملکت منیعۀ هندوستان، مایه

اعتبار و تاریخ روزگار گردد».^{۴۹} چند سال بعد، در ۱۳۳۰ق/۱۹۱۲م کتابی با عنوان دام صیادان یا عبرت ایرانیان در شیراز منتشر شد. این اثر به صراحت و از جوانب مختلف، کتابی است که نشان می‌دهد تجربه استعمار هند، چه جایگاهی در رویکرد ضداستعماری ایرانیان داشت. خالق این اثر اصالت هندی داشت اما به چند دلیل مهم کتاب را باید در روند رویکرد ضد استعماری ایرانیان قرار داد: نخست این‌که مؤلف سال‌ها در ایران زیست، اثر را در ایران پدید آورد، عنوان و ساختار کتاب اساساً برای مخاطب ایرانی بود، و بعدها چند شخصیت ایرانی از آن برای ترویج رویکرد ضداستعماری بهره گرفتند.

مؤلف و مترجم این اثر آقا صوفی هندی (۱۸۵۸-۱۹۱۸م)، مبارزی سیاسی در هند بود و در پی مبارزات با دولت هند بریتانیا به زندان افتاد و پس از آزادی و در پی فشار دولت، در ۱۹۰۹م/۱۳۲۷ق به ایران گریخت.^{۵۰} آقاصوفی هندی در شیراز بود که دست به ترجمه کتابی از ویلیام هوویت^{۵۱} (۱۷۹۲-۱۸۷۹م) درباره استعمار انگلیس در هند زد.^{۵۲} این ترجمه در پنج فصل اختصاصاً به استعمار انگلیس در هند می‌پرداخت اما اثری بود که به طور ویژه برای ایرانیان ترجمه و تألیف شده بود. عنوان انگلیسی کتاب از انگلیس در هند: تجدید چاپ کتاب استعمار و مسیحیت: تاریخ عمومی مواجهه اروپاییان با بومیان

۴۹. برای متن نامه، نک. رجبی، ۱۴۴/۲.

۵۰. نخست در پوشهر اقامت داشت و سپس به شیراز رفت، در آن‌جا به همکاری با فعالین سیاسی پرداخت و فعالیت‌هایی در زمینه روزنامه‌نگاری و آموزش انگلیسی در مدرسه انجام داد (برای شرح جزئیات زندگی و فعالیت‌های وی، نک. هوویت، مقدمه، ۷-۳۶).

51. William Howitt.

۵۲. ویلیام هوویت، نویسنده انگلیسی کتابی با عنوان استعمار و مسیحیت در ۱۸۳۸م نوشت و سال بعد پنج فصل مربوط به استعمار انگلیس در هندوستان را به صورت جداگانه و مستقل در لندن منتشر کرد. کتاب اول در این آدرس قابل دسترسی است:

<https://archive.org/details/colonizationchri00howirich>

کتاب دوم هوویت که ترجمه آقاصوفی بر اساس آن است، در این آدرس قابل دسترسی است:

<https://babel.hathitrust.org/cgi/pt?id=wu.89095158937&view=1up&seq=15>

سرزمین‌های مستعمراتی‌شان به دام صیادان یا عبرت ایرانیان تبدیل شده بود و مترجم که خود را «ما ایرانیان» خطاب می‌کرد، در دیباچه کتاب از آن‌ها خواسته بود تا «به دقت و غور و تعمق این صفحات را ملاحظه فرمایند».^{۵۳} او در پایان اثر نیز خطاب به ایرانیان نوشت، انگلیسی‌ها هر چه در ظرف دویست سال با هندیان کرده‌اند، از شصت سال قبل برای ایرانیان در تهیه بوده و هستند؛ او به‌عنوان مصداق ذکر کرد که «اجانب» آن سیاست تجاری که در کلکته، شهری نزدیک دریا، آغاز کردند و در ادامه آن‌جا را مرکز و مقر خود ساختند، حالا می‌خواهند در دریای خزر و خلیج فارس آن را تکرار کنند. او پایان اثرش را با امضای «خیرخواه ایران و ایرانیان» به پایان رساند.^{۵۴} اینها، همه نشان از آن داشت که تجربه هند چگونه دست‌مایه مهمی برای تفکرات و فعالیت‌های ضداستعماری در ایران بوده‌است. این اثر بر چند تن از ایرانیان دیگر هم تأثیرگذار بود. سید عبدالله مجتهد بلادی بوشهری بهبهانی (تولد. ۱۲۹۱ق/ د ۱۳۳۱ش) از روحانیون مبارز ضد استعمار در جنوب ایران بود. او در یکی از آثارش با عنوان لواط و سوانح^{۵۵} ذیل عنوان «مکتوب به خوانین خائنین جنوب» برای «نصیحت و انداز» خان‌های منطقه، با مقایسه شرایط ایران و هند در رویارویی با انگلیس به مخاطبان خود هشدار داد که در صورت پیروزی «دشمنان»، «همچنان که تاریخ هندوستان به ما نشان می‌دهد»، آن‌ها «اول به اضمحلال بزرگان و ارباب و نفوذ و قوه و سلاح خواهند پرداخت». بلادی برای اثبات گفته خود، به آن‌ها توصیه کرد که تاریخ هندوستان را بخوانند و از نظری که به خوبی دیدگاه‌هایش را تأیید می‌کرد، رساله آقا صوفی هندی بود.^{۵۶}

۵۳. هویت، دیباچه، ۴۱-۴۵.

۵۴. همو، ۲۱۱-۲۱۲، ۲۱۵.

۵۵. کتاب مجموعه‌ای شامل نامه‌ها، اعلامیه‌ها، تلگراف‌ها، مقالات و خاطرات سیاسی او بود و در سال ۱۳۳۸هـ/ ۱۹۱۹م آن را در شیراز به پایان رسانیده بود.

۵۶. مجتهد بلادی بوشهری، ۶۱-۶۲. او نوشت: «اگر می‌خواهید نیکو بدانید رساله تاریخیه دام صیادان یا عبرت ایرانیان را بخوانید تا بدانید که سلوک این گرگ‌های آدمی صورت چه طور است...» (همو، ۶۳).

سیاستمدان، مبارزان ملی، دینی و اجتماعی، محققان و مترجمان و غیره در دوران حکومت پهلوی در ایران (۱۳۰۴-۱۳۵۷ش)، همواره در موضوعات مختلف داخلی، از تجربه مستعمره هند بهره بردند. کتاب اختناق هندوستان اثر ویل دورانت، در ۱۳۱۰ش ترجمه و منتشر شد. مترجم در مقدمه اثر، ابراز خرسندی کرد که ایران همچون هندوستان گرفتار استعمار نشده است، و ترجمه اثر را نوعی ابراز همدردی، احساس مسئولیت در قبال «برادران شرقی» در هندوستان دانست که گرفتار ظلم استعمار شده‌اند.^{۵۷} خلیل ملکی (د ۱۳۴۸ش)، نظریه پرداز سیاستمدار، با رویکرد ملی و ضمن نقد حزب توده، بارها در مجموعه یادداشت‌های خود، درباره مبارزه با استعمار سخن گفت. از نظر او رویکرد ملی در مبارزه با استعمار کارساز است و مصداق آن نهضت آزادی هندوستان است. او در ۱۳۲۸ش نوشت نفوذ استعمار در ایران واقعیتی است که نیاز به اثبات ندارد، از این رو، در نظر وی مبارزه با استعمار، مسئله روز است و بایستی همه نیروهای اجتماعی را برای این مبارزه بسیج کرد. او در همین راستا به نقد فعالین سیاسی ایرانی‌ای پرداخت که نهضت‌های ضد استعماری در هند را فقط یک نمایش ظاهری و یک توطئه جدید استعمار می‌دانستند.^{۵۸} ملکی در یکی از یادداشت‌های خود از «مرض استعمارزدگی» در ایران سخن گفت و بر این نظر بود که «از استعمار بریتانیا شبح هولناکی برای ملت ایران ساخته‌اند»، او نوشت: «در نیرومندی استعمار هیچ شکی نیست، ولی باید دید این نیرومندی در چیست و این تأثیر در رگ و ریشه جامعه ما که ورد زبان این آقایان استعمارزده گردیده از کجا سرچشمه می‌گیرد».^{۵۹} او که معتقد بود می‌توان با نیروی ملی علیه نیروی

۵۷. دورانت، مقدمه مترجم، ۵-۹. مترجم در مقدمه نوشته است که این کتاب در اصل انگلیسی موسوم به Case for India یعنی (دفاع از هندوستان) می‌باشد. ولی برای اینکه اسم این کتاب با فصل اول آن که در تحت همین عنوان است مشتبه نشود آن را در تحت عنوان «اختناق هندوستان» انتشار می‌دهیم که از اصل موضوع کتاب چندان دور نیست (دورانت، مقدمه مترجم، ۹).

۵۸. ملکی، ۱۱.

۵۹. همو، ۴۳-۴۴.

استعمار مبارزه کرد، بارها در یادداشت‌های خود به مبارزات گاندی و نهر و تحولات شبه قاره هند ارجاع داد.^{۶۰}

خان ملک ساسانی (د ۱۳۴۶ش)^{۶۱} در کتاب دست پنهان سیاست انگلیس در ایران، چاپ نخست ۱۳۳۱ شمسی، به زعم خود از «رازهای پنهان» سیاست انگلیسی‌ها در ایران پرده برداشت. او در ابتدای اثر خود بیان داشت که ایران از زمان نادرشاه افشار مورد «وحشت» کمپانی هند شرقی بود و از این رو دولت انگلیس «با یک برنامه معین و مرتب در صدد تجزیه ایران برآمد». از نظر وی، انگلیسی‌ها از تاریخ آمدن سرجان ملکم سفیر کمپانی هند شرقی به ایران تا گرفتن امتیاز نفت «برای پیشرفت سیاست استعماری و تهیه جاسوس» روش‌های مختلفی داشتند. خان ملک ساسانی در ارتباط با سیاست استعماری انگلیس در هند و تأثیرش در ایران، موضوع «اوقاف هندوستان» را طرح کرد: از نظر او انگلیسی‌ها با تأسیس مؤسسه «اوقاف هندوستان» در کنسولگری بغداد، به دنبال آن بودند که از طریق کمک به طلاب شیعه و پرداخت پول حاصل از اوقاف هند، روحانیونی برای ایران تربیت کنند تا «با سیاست استعماری» به ایران بروند و در زمینه‌های مختلف اهداف آن‌ها را دنبال کنند.^{۶۲}

تجزیه شبه قاره هند و استقلال از حاکمیت بریتانیا در ۱۹۴۷م/۱۳۲۶ش رویداد مهم این دوران در هند بود. در این زمینه شخصیت اقبال لاهوری (د ۱۹۳۸م) برای ترویج رویکرد ضد استعماری ایرانی کارآیی داشت. افرادی چون دهخدا (د ۱۳۳۴ش/۱۹۵۶م) و تقی‌زاده (د ۱۳۴۸ش/۱۹۷۰م) به ستایش او پرداخته بودند؛ با این حال آثار غلامرضا

۶۰. همو، ۵۰، ۵۵، ۱۴۸، ۱۹۳.

۶۱. از او با عنوان «تورسین تندروی تئوری توطئه» نام برده شده است (Ashraf, "Conspiracy Theories").

۶۲. ساسانی، ۵، ۹۹، ۱۰۳-۱۰۵.

سعیدی (د ۱۳۶۷ش) در دهه سی شمسی بود که در معرفی اقبال لاهوری تأثیرگذار بود.^{۶۳} او پس از سفر به هند و متأثر شدن از شخصیت و افکار اقبال لاهوری، دست به ترجمه و تألیف آثاری درباره اقبال لاهوری زد. از نخستین کارهای او کتابی بود با عنوان اقبال‌شناسی، هنر و اندیشه محمد اقبال که در ۱۳۳۸ش/۱۹۵۹م در تهران منتشر کرد. سعیدی از اقبال به عنوان «سرمشق فکر و هدایت» برای «جوانان متجدد و روشنفکر جامعه اسلامی ایران» نام برد و تلاش کرد تا جنبه‌هایی غیر از شخصیت شاعری او را برجسته کند. در این رویکرد، اقبال متفکر بزرگی معرفی شد که اندیشه‌های او می‌توانست راه زندگی نسل‌های آینده در ایران باشد.^{۶۴} از اقبال چهره‌ای در شمایل مبلغ آزادی سیاسی مسلمین هند و مؤسس کشور مستقل پاکستان شکل گرفته بود، فردی که وقتی هندوستان تحت نفوذ فرهنگی و سیاسی بیگانگان بود، برای احیای عقاید و باورهای شرقی، روح تصوف و عرفان، اندیشه‌های اسلامی و فرهنگ و زبان فارسی تلاش کرد. شخصیت اقبال در دهه چهل و پنجاه شمسی در ایران بازتاب بیشتری داشت^{۶۵} و البته ایرانیان همه جوانب نظریات او را بازتاب نمی‌دادند.^{۶۶}

جلال آل احمد (د ۱۳۴۸ش) در کتاب مشهور خود غرب‌زدگی^{۶۷} ممالک غرب‌زده‌ای همچون ایران را حاصل میراث استعمار دانست و بارها علیه استعمار نوشت.^{۶۸} او چندین بار در طرح دیدگاه خود به تجربه استعمار هند توجه کرد و در جایی از اثر خود نوشت:

۶۳. سید هادی خسروشاهی نوشته‌است که شاید سعیدی نخستین فردی بود که پس از آشنایی با افکار اقبال لاهوری و مراجعه به ایران به نشر اندیشه‌های اقبال پرداخت (سعیدی، اندیشه‌های اقبال لاهوری، پیشگفتار، ۱۰).

۶۴. سعیدی، اقبال‌شناسی، هنر و اندیشه محمد اقبال، مقدمه، ی-یا.

۶۵. نک. ادامه مقاله.

۶۶. برای رویکرد اقبال لاهوری درباره وهابیت که در ترجمه آثار او به فارسی سانسور شده‌است، نک. حاجری، ۱۲۲.

۶۷. کتاب نخست در ۱۳۴۱ شمسی و بار دیگر با تجدید نظر در ۱۳۴۳ شمسی منتشر شد.

۶۸. آل احمد، ۱۳۷۵، ۲۳-۲۴، ۳۰.

«کمپانی هند شرقی، یعنی استعمار غربی».^{۶۹} آل احمد در اثر خود، شرایط تاریخی ایران را با اوضاع هند مقایسه کرد و بر این باور بود که از دلایل غرب‌زدگی ایران این بوده‌است که «ما در داد و ستدها با هند، هرگز قصد قربت نداشته‌ایم، ... از هند گریختیم یا به آن پشت کردیم، متوجه غرب شدیم».^{۷۰} جایگاه و اقدامات مسلمانان شبه قاره هند این فرصت را در اختیار جامعه مسلمان ایران قرار می‌داد تا از آن الگوبرداری کنند. در دهه چهل شمسی، یکی از آثاری که هند را الگوی استعمار و نهضت ضداستعماری در آن‌جا را «یکتا و بی‌نظیر» خواند، مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان ترجمه و تألیف سید علی خامنه‌ای بود.^{۷۱} مؤلف انگیزه خود از تألیف چنین اثری را کشف «نقش استعمار غربی» در اختلاف‌افکنی میان مسلمانان هند دانسته و ابراز امیدواری کرده‌است که اثر او «در راه روشن‌بینی مسلمانان ایران، گام مؤثری باشد».^{۷۲}

شخصیت مؤثر اجتماعی دیگر در جامعه ایران علی شریعتی (د ۱۳۵۶ش) بود که بارها در زمینه استعمار سخن گفت. او اساساً در طرح ایدئولوژی خود و رواج آن از تاریخ بهره‌فراون برد^{۷۳} و در این میان استعمار انگلیس در هند، جایگاه ویژه‌ای در نزد او داشت. شریعتی، در آثار خود از استعمارگر و استعمارزدگان بسیار سخن گفت و از مستعمره هند بارها در طرح مباحث خود استفاده کرده.^{۷۴} وی توجه ویژه‌ای به «نهضت ضداستعماری هند» داشت و در این میان اقبال لاهوری را به‌عنوان الگو معرفی می‌کرد؛ شریعتی در اثر خود با عنوان ما و اقبال وی را «یک رهبر ضد استعمار» می‌دانست که مبارزاتش به همه

۶۹. همو، ۷۷.

۷۰. همو، ۴۰-۴۱، ۴۹، ۶۶.

۷۱. او کتاب عربی کفاح المسلمین فی تحریر الہند، تألیف عبدالمنعم النحر را ترجمه و مطالبی بر متن آن افزود؛ این اثر در ۱۳۴۷ش به چاپ رسید.

۷۲. خامنه‌ای، ۷-۹.

۷۳. قنوات، ۱۸-۲۳.

۷۴. شریعتی، بازگشت، ۳۶-۳۷، ۷۶.

جوانب استعمار می‌پرداخت و از چهره‌های پنهان و آشکار آن آگاهی داشت.^{۷۵}

نتیجه

شخصیت‌های مختلف دینی، اجتماعی، سیاسی، علمی و غیره در ایران، در موقعیت‌های مختلف علیه استعمار سخن گفته‌اند و نوشته‌اند. آن‌ها در شرایطی علیه استعمار می‌نوشتند که با تجربه تاریخی از استعمار روبه‌رو نشده بودند. از این‌رو، ریشه و رواج دیدگاه‌های ضداستعماری در ایران روند متفاوتی طی کرد. این است که رویکرد ضداستعماری ایرانی را باید متفاوت از تفکرات ضداستعماری در سرزمین‌های مستعمره دانست. به عبارت دیگر، می‌بایست که به دنبال علل دیگری برای شناخت تاریخ چنین رویکردی بود. منظرهای مختلفی وجود دارند که برای فهم رویکرد ضداستعماری ایرانی کارآیی دارند. در این میان، این پژوهش، چشم‌اندازی دیگری را برای بررسی این موضوع پیشنهاد و ارزیابی کرده است. گزارش‌ها و آراء بسیاری از ایرانیان درباره حضور انگلیس در شبه قاره هند وجود دارد و بازتاب رویکردهای ایرانیان نسبت به این موضوع است. تعداد آثار، جایگاه پدیدآورندگان این آثار، و توجه به دوره طولانی‌ای که رویکرد ضد استعماری ایرانی از تجربه تاریخی هندوستان استفاده کرده است، به خوبی اثبات‌کننده این موضوع است که می‌توان از تاریخ استعمار انگلیس در هند، به عنوان یکی از عوامل آغاز و تداوم اندیشه ضد استعماری ایرانی نام برد. تحلیل باورهای ضد استعماری از چنین چشم‌اندازی، جوانب مختلف و جزئیات

۷۵. شریعتی، ما و اقبال، ۲۱، ۹۳-۹۴، ۱۰۲، ۱۱۳-۱۱۵. شریعتی گاه رویکردی متفاوت هم به استعمار داشت. او در عین اینکه خود مروج رویکرد ضداستعماری بود، به ادبیات ضداستعماری برای «توجیه ناکامی‌ها و گمراهی‌ها» هم اشاره کرده است. او نوشته است که استعمار رفته رفته در فرهنگ معاصر معنایی به خود گرفته مترادف «روزگار»، «چرخ کجمدار» و «فلک غدار» یا «شیطان حرام زاده» در زبان توده مذهبی؛ او مثالی از «نوشته‌های مذهبی» در این موضوع آورده است: «در یکی از نوشته‌های مذهبی راجع به مضرات استمناء، نویسنده روشنفکر ضد امپریالیست، آن را یک عادت مضره و زشت استعماری» تعبیر کرده بود. فکر می‌کنم به این دلیل که هر دو از باب استفعال است.» شریعتی معتقد است که اینها همه «معلول را به جای علت گرفتن است» (همان، ۱۶۶).

دیگری از این بحث را هم نشان می‌دهد که از نتایج این مقاله محسوب می‌شود. سیر آثار گوناگونی از ایرانیان نشان می‌دهد که چگونه تحولات تاریخی در هند تحت تسلط انگلیس، در هر دوره‌ای مورد توجه ایرانیان بود^{۷۶} و آن‌ها نسبت به تکرار چنین تجربه‌ای برای ایران هشدار دادند. در ادامه، و با گسترش قدرت انگلیس در هند و شکل‌گیری حکومت هند بریتانیا، در ایران نیز تفکرات ضد استعماری قوت گرفت و مناسبات هند مستعمره، دستاویزی برای ایرانیان در ترویج رویکرد مورد نظرشان در این زمینه شد. تبیین تاریخی آثار مورد نظر، نشان داد که چگونه ادبیات ایرانیان به مرور زمان و با اصطلاحاتی متفاوت، نسبت به مسئله استعمار تغییر کرد. این ادبیات با عبارات و اصطلاحاتی نظیر تسخیر و تصرف آغاز و به استعمار ختم شد.

جایگاه ایرانیانی که ضد استعمار گفتند و نوشتند، نشان می‌دهد که توجه به دو بعد ملی و مذهبی و یا به تعبیری دیگر، ترس از آسیب به هویت ملی و هویت دینی ایرانیان، دو عامل مهم در رواج تفکر ضد استعماری بود؛ این دو عامل به خوبی در بهره‌گیری از تجربه هند مستعمره برای ایرانیان قابل دسترس بود و در واقع این فرصت را به ایرانیان می‌داد تا با هر سلیقه مذهبی یا ملی از تاریخ استعمار انگلیس در هند، برای ترویج رویکرد ضد استعماری استفاده کنند. آثار متنوعی که در این مقاله بررسی شد، نشان از آن دارد که نه تنها

۷۶. کارستن نیبور، سیاح اروپایی گزارش کرده‌است که وقتی نزد یکی از سردارهای کریم خان زند بود، وی سؤال‌های زیادی درباره اوضاع و احوال انگلیسی‌ها در هند شرقی از او پرسیده‌است (نیبور، ۵۱). گاسپار دروویل فرانسوی نیز که در دوران فتحعلی‌شاه در ایران حضور داشت، در ۱۸۱۳م با عباس میرزا دیدار کرده بود. او نوشته است که عباس میرزا با نظر بدی به سفیر انگلستان، سر جان ملکم، که از هند به ایران آمده بود، می‌نگرد و از نظر او «سفیر انگلیس با جیب پر پول آمده‌است تا ایران را بخرد». بنا به گزارش دروویل، «او بارها از بدرفتاری انگلیسی‌ها با مردم هند سخن می‌گوید و سیاست آن‌ها را برای انهدام امپراطوری مغول هند محکوم می‌کند». او نوشته‌است که عباس میرزا «ضمناً می‌ترسید که مبادا همان سیاست را با نفوذ مشنوم خود در ایران نیز اجرا کنند». از نظر دروویل این ترس چندان هم «بی‌پا» نباشد زیرا سفیر انگلستان چندین بار تقاضا کرده‌است که کارگزاری سابق بوشهر دوباره تأسیس و در آن عده‌ای از سربازان انگلیسی مستقر گردد (دروویل، ۱۷۷-۱۷۸).

کتب تاریخی، بلکه ترجمه‌ها، نامه‌نگاری‌ها، متون ایدئولوژیک، و افرادی در جایگاه روحانی، سیاستمدار، روشنفکر، مورخ، مبارز سیاسی و ملی، همه در بهره بردن از تجربه هند در ترویج رویکرد ضد استعماری ایرانی نقش داشته‌اند.

کتابشناسی

- آل احمد، جلال، غرب‌زدگی، تهران، انتشارات مجید، ۱۳۷۵ ش.
- همو، سفر فرنگ، زیر نظر شمس آل احمد، ویرایش مصطفی زمانی‌نیا، تهران، کتاب سیامک، ۱۳۷۶ ش.
- احمدزاده، محمدمیر، کلان‌روایت‌ها در تاریخ‌نگاری ایران دوره قاجار (۱۲۶۴-۱۲۱۰ ق)، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۴۰۰ ش.
- ارکون، محمد، تاریخ‌مندی اندیشه اسلامی، ترجمه رحیم حمداوی، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۹۲ ش.
- افشاریزدی، محمود، سیاست اروپا در ایران، ترجمه سید ضیاء‌الدین دهشیری، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشاریزدی، ۱۳۵۸ ش.
- اعتضاد السلطنه، علیقلی میرزا، اکسیر التواریخ، به‌کوشش جمشید کیانفر، تهران، ویسمن، ۱۳۷۰ ش.
- استعمار و ضد استعمار در سینما، ترجمه پرویز شفا، انتشارات توس، ۱۳۵۶ ش.
- بهار، مهدی، میراث‌خوار استعمار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷ ش.
- تاج‌بخش، احمد، سیاست‌های استعماری روسیه تزاری، انگلستان و فرانسه در ایران نیمه اول قرن نوزدهم، تهران، اقبال، ۱۳۶۲ ش.
- ترجمه تاریخ و جغرافیای هندوستان، پرتغال و جزایر بریتانیا، به‌کوشش سید صادق حسینی اشکوری، قم، مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۹۲ ش.
- ترجمه جغرافیای هند، به‌کوشش سید صادق حسینی اشکوری، قم، مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۹۲ ش.
- ترجمه احوال روس و افغانستان و هندوستان، به‌کوشش سید صادق حسینی اشکوری، قم، مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۹۲ ش.
- تیموری، ابراهیم، عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، تهران، شرکت نسبی اقبال و شرکاء، ۱۳۳۲ ش.
- حائری، عبدالهادی، نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷ ش.

- حاجری، فرهاد، «مواضع مسلمانان شبه قاره هند در برابر تشکیل پادشاهی سعودی و فرقه وهابیت در نیمه نخست سده ۲۰»، تاریخ و فرهنگ، ش ۹۹، پاییز وزمستان ۱۳۹۶.
- خامنه‌ای، سیدعلی، مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان، بی‌جا، انتشارات آسیا، ۱۳۴۷ ش.
- خمینی، روح‌الله، صحیفه امام مجموعه آثار امام خمینی (س)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹ ش.
- دروویل، گاسپار، سفرنامه دروویل، ترجمه جواد محیی، تهران، بنگاه مطبوعاتی گوتمبرگ، ۱۳۳۷ ش.
- دورانت، ویل، اختناق هندوستان یا (هندوستان در چه حال است)، ترجمه ر. نامور، تهران، مطبعه برادران باقرزاده، ۱۳۱۰ ش.
- دو قرن نیرنگ: داستان تلخ سیاست استعماری انگلیس در ایران. به انضمام کتاب «ایرانیان در میان انگلیسی‌ها» نوشته سر دنیس رایت، تألیف و ترجم محمود طلوعی، تهران، نشر علم، ۱۳۸۰ ش.
- ساسانی، خان ملک، دست پنهان سیاست انگلیس در ایران، تهران، انتشارات بابک، ۱۳۵۴ ش.
- سپهر، میرزا محمدتقی لسان الملک، ناسخ التواریخ، به کوشش محمدباقر بهبودی، تهران، اسلامیه، ۱۳۵۳ ش.
- سرگذشت خانم انگلیسی در هندوستان، ترجمه اعتمادالسلطنه، به اهتمام محمدرضا افشاری، تهران، انتشارات شقایق، ۱۳۶۳ ش.
- سعیدی، سید غلامرضا، اقبال‌شناسی، هنر و اندیشه محمد اقبال، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۳۸ ش.
- همو، اندیشه‌های اقبال لاهوری، به کوشش سید هادی خسروشاهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۰ ش.
- شریعتی، علی، بازگشت، تهران، انتشارات الهام و بنیاد فرهنگی دکتر علی شریعتی، ۱۳۸۵ ش.
- همو، ما و اقبال، تهران، انتشارات الهام و بنیاد فرهنگی دکتر علی شریعتی، ۱۳۸۶ ش.
- شهنواز، همایون، دلیران تنگستان، تهران، تلویزیون ملی ایران، ۱۳۵۳ ش.
- شورش هندوستان ۱۸۵۷/م ۱۲۷۴ق، ترجمه اوانس ماسنیان، به کوشش صفاءالدین تبرائیان، با مقدمه ایرج افشار، تهران، انتشارات نیلوفر، ۱۳۷۲ ش.
- صفدری، محمدرضا، سیاست‌نوی: مجموعه داستان، تهران، قصه، ۱۳۸۲ ش.
- طلوعی، محمود، ترس از انگلیس، تهران، انتشارات هفته، ۱۳۶۹ ش.
- ذاکر حسین، عبدالرحیم، ادبیات ایران پیرامون استعمار و نهضت‌های آزادیبخش، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۹ ش.

- رجبی، محمدحسن، مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه دوره قاجار، تهران، نشر نی، ۱۳۹۰ ش.
- رواسانی، شاپور، دولت و حکومت در ایران در دوره تسلط استعمار سرمایه‌داری، بی‌جا، نشر شمع، بی‌تا.
- فرخی، محمد، دیوان فرخی یزدی، با تصحیح و مقدمه حسین ملکی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷ ش.
- قدیمی قیداری، عباس، «رویکردهای مورخان قاجاری به اروپا و استعمار»، جستارهای تاریخی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوره اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۹.
- قنوت، عبدالرحیم، شریعتی و تاریخ اسلام، مشهد، نشر صالح، ۱۳۷۷ ش.
- کرمانشاهی بهبهانی، آقا احمد، مرآت الاحوال جهان نما، به کوشش علی دوانی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
- کیا، ایرج، سیر استعمار انگلیس در ایران، تهران، آبی، ۱۳۸۴ ش.
- گاندی، لیلا، پسااستعمارگرایی، ترجمه مریم عالم‌زاده و همایون کاکاسلطانی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۱ ش.
- مجتهد بلادی بوشهری، سید عبدالله، لویح و سوانح (اسنادی درباره جنبش روحانیت جنوب ایران در جنگ جهانی اول)، مقدمه و توضیح از سید قاسم یاحسینی، کنگره بزرگداشت هشتادمین سالگرد شهادت رئیس علی دلواری، ۱۳۷۳ ش.
- محمود، محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی، تهران، اقبال، ۱۳۷۸ ش.
- مطهری، مرتضی، ده‌گفتار، تهران، قم، صدرا، ۱۳۸۴ ش.
- ملکی، خلیل، برخورد عقاید و آراء، به کوشش محمدعلی همایون کاتوزیان و امیر پیشداد، تهران، نشر مرکز، چاپ دوم، ۱۳۷۶ ش.
- میرفندرسکی، احمد، پیدایش و سقوط امپراطوری مستعمراتی پرتغال در هند به انضمام بحثی در ماهیت استعمار و جنبش ضد آن، تهران، کتابخانه ابن سینا، ۱۳۴۱ ش.
- ناطق، هما، از ماست که بر ماست، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۵۴ ش.
- نصر، سیدتقی، ایران در برخورد با استعمارگران از آغاز قاجاریه تا مشروطیت، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۳ ش.
- نوایی، عبدالحسین، ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، تهران، مؤسسه نشر هما، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش.
- نوری، میرزا رفیع، تحفه خاقانیه: گزارش سفر هند در سال ۱۲۳۱ق، به کوشش رسول جعفریان، تهران، نشر علم، ۱۴۰۱ ش.

نیپور، کارستن، سفرنامه کارستن نیپور (۱۷۶۵م)، ترجمه پرویز حبیبی، تهران، توکا، ۱۳۵۴ ش.
وقار الملک، علی بن حسین، جام جم هندوستان، تبریز، ۱۳۱۶ ق.
ولاهکیس، جورج ان، و دیگران، استعمار و علم؛ تأثیرات و تعاملات اجتماعی، ترجمه مهدی کفائی و دیگران، تهران، سروش، ۱۳۹۸ ش.
هاشم زاده محمدیه، عباس، و هاشم آقاجری، «تأثیر مهاجران ایرانی به هند بر اندیشه گران ایران از سقوط صفویه تا عصر ناصری (۱۲۶۴-۱۱۳۵ / ۱۸۴۸-۱۷۲۲): مورد رستم الحکما»، فصلنامه مطالعات تاریخی ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، ش ۷-۸، بهار و تابستان ۱۳۸۴.
هوویت، ویلیام، دام صیادان یا عبرت ایرانیان (نخستین رساله فارسی در شناخت استعمار انگلیس در شبه قاره هند)، ترجمه آقا صوفی هندی، به کوشش محمدحسن رجیبی (دوانی) و محسن نیکبین، تهران، نشر نی، ۱۳۹۹ ش.

Ashraf, Ahmad, "Conspiracy Theories", *Iranica*, available in: <https://www.iranicaonline.org/articles/conspiracy-theories>

Howitt, William, *Colonization and Christianity: A Popular History of the Treatment of the Natives by the Europeans in All Their Colonies*, London, Longman, 1838.

Idem, *The English in India: Reprinted from Colonization and Christianity: A Popular History of the Treatment of the Natives by the Europeans in All Their Colonies*, London, Longman, 1839.

Lambton, Ann K. S., "Some New Trends in Islamic Political Thought in Late 18th and Early 19th Century Persia", *Studia Islamica*, No. 39, 1974.

Mattee, Rudi, (2002): "Suspicion, Fear, and Admiration: Pre-Nineteenth-Century Iranian Views of the English and Russians", in N. Keeie and R. Mattee eds. *Iran and the Surrounding World: Interactions in Culture and Cultural Politics*, Seattle, 2002.

Idem, "Between Sympathy and Enmity: Nineteenth-Century Iranian Views of the British and the Russians", *New Historical Studies*, Vol.4, Issue.4, 2009.